

استقرار ارزشیابی هماهنگ و متمرکز درس تربیت‌بدنی در مدارس: یک مطالعه کیفی

زهرا تسلیمی^۱، حسین بابویی^۲

۱. دکتری مدیریت ورزشی، مدرس دانشگاه فرهنگیان*

۲. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۵/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۱۳

چکیده

ارزشیابی، فرایند منظم و منسجمی برای مشخص کردن میزان پیشرفت دانش‌آموزان در مسیر رسیدن به هدف‌های آموزشی و پرورشی است. هدف پژوهش حاضر، مطالعه استقرار ارزشیابی هماهنگ و متمرکز درس تربیت‌بدنی در مدارس بود. روش پژوهش کیفی بود که با رویکرد نظریه داده‌بنیاد انجام شده است. گردآوری داده‌ها به روش‌های متعددی مانند مصاحبه و بررسی اسناد انجام شد. صاحب‌نظران، مدیران و متخصصان حوزه ارزشیابی و تربیت‌بدنی مدارس جامعه آماری پژوهش را تشکیل دادند. با توجه به استفاده از روش داده‌بنیاد و انجام مصاحبه برای گردآوری داده‌ها، نمونه‌گیری به صورت نظری و با استفاده از روش قضاوتی انجام شد. هم‌زمان با گردآوری داده‌ها، کار تحلیل آن‌ها طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی با به‌کارگیری نسخه ۵/۲ نرم‌افزار اطلس تی.آی انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که ارزشیابی هماهنگ و متمرکز درس تربیت‌بدنی تأثیر مثبتی بر روند اجرای درس تربیت‌بدنی در مدارس دارد و بازتاب گسترده‌ای را نیز در جامعه ایجاد می‌کند؛ اما دستیابی به تمام پیامدهای مثبت این طرح درگرو فراهم کردن زیرساخت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری آن است.

واژگان کلیدی: نظریه زمینه‌ای، درس تربیت‌بدنی، ارزشیابی

مقدمه

نظام تعلیم و تربیت هر جامعه‌ای بر پایه اصول و اعتقادات و ارزش‌های مورد قبول فرهنگ آن جامعه استوار است. انتظار می‌رود نظام آموزش و پرورش ایران که تحت تأثیر فرهنگ اسلامی-ایرانی است، در راستای تبدیل شدن به الگوی پیشرفت در منطقه و جهان، دستیابی به تمام شایستگی‌های پایه و ساحت‌های تکامل بشر را براساس آموزه‌های دین اسلام در تربیت کودکان و نوجوانان مورد توجه قرار دهد. افزون بر این، هر نظام تربیتی برای رویارویی مناسب با تغییر و تحولات پیرامون خود، باید به مجموعه‌ای از سیاست‌های پایدار و الگوهای نظری تکیه کند تا دستیابی به رسالت و مأموریت خود را تسهیل کند. سند تحول با تعریف زیرنظام‌ها و مؤلفه‌های خرد و کلان نظام تعلیم و تربیت، به عنوان مبنای اصلی تحول در آموزش و پرورش، به خوبی روشن‌گر مسیر دستیابی به رسالت واقعی آموزش و پرورش با بهره‌گیری از سیاست‌ها، اهداف و راهبردهای موجود است. با توجه به سیاست‌ها، اهداف کلان و عملیاتی و راهکارهای مندرج در سند تحول، معاونت تربیت بدنی و سلامت به دنبال اجرایی کردن برنامه‌ها و فعالیت‌هایی در راستای تحقق رسالت خطیر آموزش و پرورش در حوزه تربیت بدنی و سلامت است.

برنامه درسی ملی به عنوان یکی از زیرنظام‌های اصلی سند تحول بنیادین و به منزله نقشه جامع یادگیری، زمینه ایجاد تحول همه‌جانبه، گسترده و عمیق را در مفاهیم و محتوای آموزشی فراهم کرده است. این برنامه تحول آفرین با تدارک فرصت‌های تربیتی متنوع و جامع در صدد است تا امکان کسب شایستگی‌های لازم را برای درک و اصلاح موقعیت براساس نظام معیار اسلامی توسط دانش‌آموزان میسر کند و آنان را برای تکوین و تعالی پیوسته هویت خویش تا دستیابی به مراتبی از حیات طیبه یاری رساند. رسالت خطیر برنامه درسی ملی فراهم آوردن سازوکارهای مناسب برای طراحی، تدوین، اجرا و ارزشیابی برنامه‌های درسی در سطوح ملی و محلی است تا مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، مفاهیم آموزشی و تربیتی به صورت نظام‌مند و ساختاریافته در اختیار کودکان و نوجوانان قرار گیرند.

هدف کلی برنامه‌های درسی و تربیتی، تربیت یکپارچه عقلی، ایمانی، علمی، عملی و اخلاقی دانش‌آموزان است؛ به گونه‌ای که بتوانند موقعیت خود را نسبت به خود، خدا، دیگر انسان‌ها و نظام خلقت به درستی درک کنند و توانایی اصلاح مستمر موقعیت فردی و اجتماعی خویش را به دست

۱. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش شامل شش زیرنظام است که به پشتوانه مبانی نظری مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی و عمومی در قالب هشت فصل تنظیم شده است. در این فصول، به کلیات، بیانیه ارزش‌ها، بیانیه مأموریت، چشم‌انداز، اهداف کلان، راهبردهای کلان، هدف‌های عملیاتی و راهکارها و چهارچوب نهادی و نظام اجرایی تحول بنیادین آموزش و پرورش پرداخته شده است.

آورند. انتظار می‌رود دانش‌آموزان در دوره تحصیلات مدرسه‌ای، در مجموعه عناصر پنج‌گانه الگوی هدف‌گذاری به مرتبه‌ای از شایستگی‌های پایه دست یابند. در این راستا، حوزه‌های تربیت و یادگیری حدود محتوایی، روش‌ها، فرایندها و عناصر کلیدی یادگیری را روشن می‌کنند. در میان حوزه‌های تربیت و یادگیری معرفی شده، تربیت بدنی و سلامت به‌عنوان پنجمین حوزه در برنامه درسی ملی به شایستگی معرفی شده‌اند؛ زیرا، در آموزه‌های اسلامی، بدن انسان هدیه و امانتی الهی برای تکامل روح محسوب می‌شود. حفظ بدن از خطرها، آسیب‌ها، تقویت جسمانی و برقراری سلامت، تکلیف دینی و الهی است و در کلام معصومان علیهم‌السلام نیز بر این حقیقت تأکید شده است. سلامت و تربیت بدنی به‌عنوان عامل اساسی و مؤثری در توسعه فردی و اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی است و ابزار ضروری برای رشد و پرورش انسان‌هایی سالم و توانمند در جهت دستیابی به ابعادی از حیات طیبه است. سلامت جسمانی، نشاط و تقویت اراده (بیانیه ۱۰)، از جمله بیانیه‌های ارزشی‌ای هستند که در سند تحول به آن‌ها اشاره شده است. مقام معظم رهبری نیز در ابلاغ سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور به ارتقای سلامت جسمی و روحی دانش‌آموزان (سیاست ۵-۲)، رشد و شکوفایی استعدادها، دانش‌آموزان و تقویت روحیه نشاط و شادابی (سیاست ۵-۴) اشاره کردند. کسب صلاحیت‌های اساسی حوزه تربیت بدنی و سلامت در برنامه درسی ملی دانش‌آموزان را قادر می‌کند تا ظرفیت‌های جسمی، روحی و روانی خود را بشناسند، به آن‌ها اعتماد کنند و در پرورش آن‌ها کوشا باشند. این آموزه‌ها به دانش‌آموزان کمک می‌کنند که در قبال بهداشت و سلامتی خود مسئولیت بپذیرند و به نقش خود در تضمین سلامت جسمی و روانی و نشاط فردی و اجتماعی، به‌خصوص سلامت خانواده اعتقاد داشته باشند. دانش‌آموزان در خلال ورزش و فعالیت‌های بدنی یاد می‌گیرند چگونه در قالب گروه کار کنند، اعتماد به نفس خود را افزایش دهند، برای اوقات فراغت خود برنامه‌ریزی کنند، خطر کنند، در مسائل درگیر شوند و به کمک دیگران مسائل را حل کنند (برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱).

یکی از مهم‌ترین ارکان هر برنامه درسی ارزشیابی است که باید به شایستگی به آن پرداخته شود. ارزشیابی فرایند منظم و منسجمی برای مشخص کردن میزان پیشرفت دانش‌آموزان در مسیر رسیدن به هدف‌های آموزشی و پرورشی است. در سند برنامه درسی ملی، به‌خوبی به اصول حاکم بر ارزشیابی پیشرفت تحصیلی و تربیتی اشاره شده است. براساس اصول ارزشیابی تحصیلی (بند ۸-۱۰) باید طراحی و اجرای نظام ارزشیابی نتیجه‌محور براساس استانداردهای ملی برای گذر از دوره‌های تحصیلی، رویکرد ارزشیابی فرایندمحور در ارتقای پایه‌های تحصیلی دوره ابتدایی و رویکرد تلفیقی (فرایندمحور و نتیجه‌محور) در سایر پایه‌های تحصیلی مبنا قرار گیرند؛ بنابراین، انتظار می‌رود که ارزشیابی درس

تربیت‌بدنی به‌عنوان بخش مهمی از فرایند برنامه‌ریزی درسی در محتوا و شکل اجرا از اصول حاکم مندرج در برنامه درسی ملی تبعیت کند.

با توجه به آنچه ذکر شد، انتظار می‌رود در نظام تعلیم‌وتربیت، تمام حوزه‌های یادگیری تعریف‌شده به‌صورت کاملاً متوازی در نظام آموزشی و نظام ارزشیابی متبلور شوند تا تحقق اهداف کلان سند تحول ممکن شود. در حال حاضر، نظام ارزشیابی حاکم به‌صورتی نامتوازن، بر ارزشیابی دروس شناختی تأکید بیشتری دارد و تمام حیطه‌های یادگیری را اعم از بخش مهارتی، براساس استانداردها ارزشیابی نمی‌کند که این مسئله با رویکردها و اهداف ارزشمند سند تحول در تناقض است و نیازمند بازنگری اساسی است.

بنابراین، تحقق ارزشیابی درس تربیت‌بدنی به‌عنوان بخش مهمی از فرایند برنامه‌ریزی درسی براساس اسناد بالادستی، نیازمند تعریف دقیق استانداردهای ملی و ارزشیابی براساس استانداردها در گذر از دوره‌های تحصیلی است تا زمینه دستیابی شایستگی‌های پایه در دانش‌آموزان محقق شود. نتایج برخی از پژوهش‌ها نیز نشان داده است که فواید و کارکردهای مثبت درس تربیت‌بدنی و فعالیت‌های ورزشی مطلوب شناخته و معرفی شده‌اند؛ اما به‌دلیل نداشتن جایگاه در نظام ارزشیابی رسمی و فقدان اثر مستقل در سرنوشت تحصیلی دانش‌آموزان، باوجود خواستنی بودن، دست‌نیافتنی شده است (رضوی، روحانی، قنبری، ۱۳۹۳).

در برنامه درسی ملی بین درس تربیت‌بدنی و سلامت و سایر دروس، به‌لحاظ فرایند برنامه‌ریزی درسی و ارزشیابی تفاوتی وجود ندارد؛ اما باوجود اهمیت این درس، در حوزه عمل ارزش و اهمیت برابری با سایر دروس ندارد. شاید بتوان بخشی از این نبود مساوات را به ماهیت عملی بودن این درس نسبت داد؛ زیرا، فعالیت‌های ذهنی در نظام آموزشی و تربیتی کشور باوجود تأکید سند تحول بنیادین بر جامعیت، یکپارچگی و توجه متوازن به ساحت‌های تعلیم‌وتربیت (بیانیه ارزش‌ها-۳۰)، برتری دارند و این موضوع کاملاً بر نظام ارزشیابی دانش‌آموزان سایه افکنده است تا جایی که اولیای مدرسه و والدین، دانش‌آموزان را به‌ویژه در سال‌های پایان تحصیلی به‌سمت دستیابی به اطلاعات شناختی و محفوظات سوق می‌دهند تا بتوانند عملکرد بهتری در پایان دوره تحصیل و آزمون ورودی دانشگاه‌ها داشته باشند؛ زیرا، دروس نظری جایگاه مهمی در نظام کنکوری کشور دارند و سرنوشت تحصیلی دانش‌آموزان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند؛ غافل از اینکه در یک نظام متوازن ارزشیابی باید به تمام ساحت‌های تعلیم‌وتربیت توجه شود. شاخص‌های سلامت و سواد جسمانی باید در سوابق تحصیلی دانش‌آموزان لحاظ شوند تا آموزش‌وپرورش بتواند علاوه بر آموزش، به رسالت خود در بعد پرورش دانش‌آموزان نیز جامه عمل بپوشاند و تمام ابعاد وجودی دانش‌آموزان را ارزشیابی کند.

نبود استانداردهای ملی در ارزشیابی درس تربیت‌بدنی باعث بدفهمی و کج‌فهمی‌های بسیاری از مدیران، اولیای مدرسه، معلمان، دانش‌آموزان و خانواده‌ها شده است و زمینه به‌کارگیری ابزارهای نامناسب ارزشیابی و نمره‌دهی سلیقه‌ای را ایجاد کرده است که از این حیث نمی‌توان ارزشیابی دقیقی از برنامه درسی ارائه کرد. همچنین، بازتاب‌نداشتن درس تربیت‌بدنی در نظام ارزشیابی باعث شده است این درس با مشکلات متعددی روبه‌رو شود. توجه ناکافی اولیای مدرسه به درس تربیت‌بدنی باعث توجه‌نداشتن دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان شده است تا جایی که مطالبات نادرستی از معلم تربیت‌بدنی در زمینه نمره دارند. همچنین، این مسئله باعث تخریب جایگاه معلمان تربیت‌بدنی و کاهش انگیزه و تعهد آنان شده است؛ زیرا، عملکرد معلم تربیت‌بدنی نمود بیرونی ندارد و معلمان نمی‌توانند بازخورد درستی از سطح عملکرد خود و دانش‌آموزانشان دریافت کنند. افزون‌براین، این مسئله باعث شده است فرصت سوءاستفاده از ساعت درس تربیت‌بدنی در مدارس ایجاد شود. حتی در برخی از مدارس خاص (تیزهوشان و غیرانتفاعی) به‌ویژه در مقطع متوسطه دوم، ساعت درس تربیت‌بدنی باوجود درج در برنامه درسی هفتگی دانش‌آموزان به سایر دروس داده می‌شود. تمام این مسائل از آنجا نشأت می‌گیرند که مدیران مدارس نظارت کافی بر درس تربیت‌بدنی ندارند. ازجمله علل احتمالی نظارت‌نداشتن مدیران بر درس تربیت‌بدنی، آگاهی‌نداشتن آنان از الزامات اجرا و ارزشیابی درس و نداشتن جایگاهی در امتحانات هماهنگ و نهایی است. همچنین، نظارت ناکافی خانواده‌ها و مدیران بر این درس باعث شده است تا اجرای درس از استانداردهای تعریف‌شده در کتب راهنمای معلم فاصله داشته باشد.

ازجمله علل نبود توسعه و گسترش‌نداشتن برنامه‌های تربیت‌بدنی در مدارس را می‌توان به نبود امکانات ورزشی و برنامه‌ریزی و محتوای درس تربیت‌بدنی نسبت داد؛ اما اکنون با توجه به وجود کتاب راهنمای معلم درس تربیت‌بدنی، دو ساعت درس تربیت‌بدنی اجباری در مدارس، اشتغال معلمان متخصص، سیاست‌های انگیزشی در مدارس و پیشرفت‌های چشمگیر تربیت‌بدنی در گرایش‌های مختلف در سطوح عالی، این امر عجیب به‌نظر نمی‌رسد؛ زیرا، باوجود تمام پیشرفت‌های حوزه تربیت‌بدنی مدارس، از ارزشیابی درس تربیت‌بدنی و لحاظ‌کردن آن در سوابق تحصیلی دانش‌آموزان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان برنامه‌ریزی درسی همچنان غفلت شده است. آنچه در نظام ارزشیابی بازتابی نداشته باشد، هرچند مورد تأکید باشد، تعهد و الزامی برای آن وجود نخواهد داشت؛ بنابراین، موارد ذکرشده برابندی را ایجاد کرده‌اند که درس تربیت‌بدنی در جامعه به‌عنوان یک فعالیت تفریحی و فوق‌برنامه تلقی شده است و به‌دنبال آن، باعث بروز مشکلات جسمانی و روانی دانش‌آموزان شده است.

پژوهش‌های بسیاری به بررسی وضعیت درس تربیت‌بدنی از جنبه‌های مختلف پرداخته‌اند. دفتر اجرایی فرهنگ، سمعی بصری و آموزش^۱ (۲۰۱۱) نبود ارزشیابی رسمی را از جمله عواملی می‌داند که در ایجاد فاصله بین وضعیت تعیین‌شده و وضعیت اجرای درس تربیت‌بدنی در مدارس کشورهای جهان تأثیرگذار است. در ادامه، به تجربیات برخی از کشورها در ارزشیابی درس تربیت‌بدنی اشاره شده است. در آمریکا ارزیابی دانش‌آموزان به‌عنوان یکی از چهار مؤلفه اساسی تربیت‌بدنی، شامل جمع‌آوری شواهدی درمورد دستیابی دانش‌آموزان به موفقیت و نتیجه‌گیری درمورد پیشرفت دانش‌آموزان براساس شواهد و مدارک است. ارزیابی دانش‌آموزان براساس استانداردهای ملی و ایالتی انجام می‌شود و مبنایی برای برآورد گذر از هر دوره تحصیلی است که در برنامه درسی گنجانده می‌شود و شامل پروتکل‌های اجرایی است. این پروتکل‌ها شامل شیوه‌های مبتنی بر شواهد و مدارک هستند که پیشرفت دانش‌آموزان را در تمام زمینه‌های آموزشی و آمادگی جسمانی اندازه‌گیری می‌کنند. نمره‌دهی به‌صورت مستقیم به اهداف یادگیری دانش‌آموزان مرتبط است که در برنامه درسی تعریف شده است و معلم تربیت‌بدنی پروتکل‌های مدرسه را برای گزارش‌دهی و ارتباط با دانش‌آموزان و اولیا درمورد پیشرفت دانش‌آموزان دنبال می‌کند. به‌طور کلی، ارزیابی دانش‌آموزان قابلیت پاسخ‌گویی به یادگیری مبتنی بر استانداردهای ملی را فراهم می‌کند و جزئی کلیدی در فرایند آموزش و پرورش در تمام حوزه‌ها است. معیارهای تربیت‌بدنی بسته ارزیابی استاندارد محور، شناختی و حرکتی هستند که شامل ابزارهای اندازه‌گیری معتبر و روا برای سنجش پیشرفت دانش‌آموز در راستای دستیابی به استانداردهای ملی در تربیت‌بدنی هستند (انجمن بهداشت و مربیان تربیت‌بدنی آمریکا، ۲۰۱۳).

در چین، از تربیت‌بدنی حمایت سیاسی قابل ملاحظه‌ای می‌شود؛ به‌طوری‌که تربیت‌بدنی برای کلاس‌های اول تا دوازدهم اجباری است. تکمیل رضایت‌بخش تربیت‌بدنی یک شرط لازم برای ارتقا به پایه بعدی و دانش‌آموختگی است. مدارس می‌توانند با استفاده از مجوزهای اداری، برای افرادی که رد شده‌اند یک ساعت فعالیت جسمانی روزانه در نظر بگیرند که می‌تواند مشتمل بر چنین اجزایی باشد: حداقل سه جلسه فعالیت جسمانی خارج از مدرسه و دو کلاس تربیت‌بدنی در هر هفته. برابر مقررات اداری، اگر دانش‌آموزی در یک‌سوم از مجموع ساعات درس در یک ترم حضور پیدا نکند (چه دختر و چه پسر)، نمره قبولی از درس نمی‌گیرد و به‌عنوان کسی که حدنصاب تربیت‌بدنی را داشته باشد، شناخته نمی‌شود. چنین دانش‌آموزی فقط یک گواهی یادگیری دریافت می‌کند که برای ورود به تحصیلات عالی معتبر نیست. الزامات تربیت‌بدنی به‌عنوان یک بخش اصلی از برنامه درسی مدرسه، بسیار مثبت است و به‌خوبی از تربیت‌بدنی (و ورزش) محافظت می‌کند (یونسکو، ۲۰۱۳).

در همه کشورهای اروپایی، مشارکت، پیشرفت و رشد دانش‌آموزان در تربیت‌بدنی، به‌صورت منظم در طول سال تحصیلی سنجش و ارزیابی می‌شوند؛ هرچند ابزارهای اندازه‌گیری بسته به کشورهای مختلف و سطوح تحصیلی متفاوت هستند. در بسیاری از کشورهای اروپایی، پیشرفت دانش‌آموزان در درس تربیت‌بدنی مانند هر درس دیگری ارزیابی می‌شود. همچنین، بیشتر کشورهای اروپایی رهنمودهای روشنی برای ارزشیابی درس تربیت‌بدنی در مدارس دارند. در فرانسه، چهارچوب ارزشیابی ملی تربیت‌بدنی از سال ۲۰۱۲ آزمایش شد. برخی از کشورها شاخص‌های ارزیابی متمرکز درس تربیت‌بدنی را با هدف ارائه ارزیابی استاندارد برای تربیت‌بدنی در کشور و همچنین، برای ایجاد قابلیت مقایسه ملی نتایج حاصل از یادگیری درس تربیت‌بدنی در اختیار دارند. در سوئد، الزامات موردنیاز برای مهارت در تربیت‌بدنی برای تکمیل دو مرحله آموزشی (تا پایان سال ششم و نهم تحصیل) قرار داده شده است. در برخی از کشورهای اروپایی نیز مهارت در یک رشته ورزشی مشخصی ارزیابی ملی می‌شود؛ برای مثال، در اسلونی مهارت شنا حداقل دو بار در طول دوره تحصیلی دانش‌آموزان ارزیابی می‌شود. در ایسلند نیز مهارت‌های موردنظر در رشته شنا از اولین سال شروع تحصیل دانش‌آموزان تا سال دهم تحصیل، به‌صورت اجباری و رسمی ارزیابی می‌شود. در بیشتر کشورها، دانش‌آموزان کارنامه سالانه از وضعیت تحصیلی خود دریافت می‌کنند که درس تربیت‌بدنی نیز در آن لحاظ شده است؛ اما در برخی از کشورها به‌جای دریافت کارنامه سالانه، دانش‌آموزان گواهینامه پایان دوره تحصیلی خود را براساس ارزیابی‌های نهایی (مثلاً در پایان دوره ابتدایی) دریافت می‌کنند که برای مثال، این روش در فرانسه، فنلاند و ایسلند اجرا می‌شود. به‌طورکلی، ارزشیابی ملی درس تربیت‌بدنی در اروپا به‌ندرت انجام می‌شود؛ اگرچه در برخی کشورها مانند اسلونی (۲۰۰۹) و فرانسه (۲۰۱۲) اخیراً به این موضوع در امتحانات ملی متوسطه توجه می‌شود (دفتر اجرایی فرهنگ، سمعی بصری و آموزش، ۲۰۱۲).

اکنون، نگرانی درباره آینده جسمانی نسل جدید به اوج خود رسیده است و وقت آن رسیده است که تحول نوینی در برخورد با درس تربیت‌بدنی در مدارس صورت گیرد. می‌توان به‌جرات بیان کرد که درس تربیت‌بدنی نسبت به تمامی دروس اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا، به‌واسطه ارتباط بی‌بدیلی که با سلامت و نشاط زندگی دارد، همواره دانش‌آموزان به آن نیاز دارند. زندگی مدرن فقر حرکتی را برای بشریت به‌ارمغان آورده است. توسعه و گسترش فناوری و افزایش سبک زندگی ماشینی در دهه‌های اخیر، موجی از کم‌حرکی و کم‌سوادی جسمانی را در بین آحاد مردم به‌ویژه دانش‌آموزان ایجاد کرده است. بدون شک، داشتن جامعه‌ای سالم بدون انسان‌هایی سالم غیرممکن است. این درحالی است که پایین‌بودن نرخ پرداختن مردم به ورزش در ایران، زنگ خطر را برای مسئولان به صدا درآورده است و تمامی سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی و غیردولتی از جمله آموزش و پرورش در تلاش هستند که برای

افزایش سطح فعالیت بدنی دانش‌آموزان چاره‌ای بیندیشند؛ زیرا، سنین کودکی و نوجوانی بهترین زمان برای آموزش و نهادینه کردن سبک زندگی فعال هستند که می‌توانند آثار مثبتی بر تربیت نسل آینده داشته باشند. بنا به مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش، برنامه درسی تربیت‌بدنی در دوره‌های تحصیلی، فرصت مغتنمی برای رشد و تکامل متعادل و متوازن ابعاد جسمانی، شناختی و عاطفی دانش‌آموزان، از طریق فعالیت‌های بدنی و حرکتی با رعایت استانداردهای تندرستی و موازین فرهنگی و اخلاقی ایجاد کرده است. در صورتی برنامه درسی تأثیرگذار خواهد بود که به تمام ارکان آن از جمله ارزشیابی توجه ویژه‌ای شود و زمینه‌ای فراهم شود تا بتوان از ظرفیت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری موجود برای اجرا و پیشبرد آن بهره برد. بدون در نظر گرفتن ادراکات و عقاید شخصی دانش‌آموزان، آنچه منجر به عینیت‌بخشیدن به ارزش و منزلت واقعی یک واحد درسی در تمام مقاطع تحصیلی و نهادینه شدن آن می‌شود، سیاستی است که سیستم آموزشی در ارزشیابی آن اتخاذ می‌کند.

با توجه به آنچه ذکر شد، مسئله تحقق اهداف درس تربیت‌بدنی در نظام آموزش و پرورش در راستای تربیت متوازن دانش‌آموزان در شرایطی حل خواهد شد که این درس به‌عنوان درس مؤثری در نظام ارزشیابی تعریف شود. در این صورت، علاوه بر اینکه درس تربیت‌بدنی در سیستم آموزشی در جایگاه واقعی خود قرار می‌گیرد، به خودی خود باعث ایجاد حرکت در دانش‌آموزان و رفع نگرانی خانواده‌ها ناشی از فقر حرکتی فرزندانشان نیز خواهد شد؛ زیرا، وقتی که والدین دلیل این سیاست را جویا شوند، بیشتر از گذشته به وخامت اوضاع جسمانی فرزندان خود پی می‌برند. با محقق شدن استقرار درس تربیت‌بدنی در امتحانات هماهنگ و متمرکز می‌توان امید داشت که نسل آینده نسلی خواهد بود که با وجود پیشرفت‌های سریع فناوری، از سلامت جسمانی، روحی و تناسب‌اندام بهتری برخوردار خواهد بود و سبک زندگی خود را اصلاح می‌کند و اینکه حداقل به این مسئله عمیق‌تر می‌اندیشد.

با توجه به آنچه ذکر شد، معاونت تربیت‌بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش در نظر دارد در راستای بهبود جایگاه درس تربیت‌بدنی و اعتبار بخشی بیشتر به مسائل تربیتی در کنار مسائل آموزشی در نظام تعلیم و تربیت متوازن، بازنگری جامعی در جایگاه درس تربیت‌بدنی در نظام ارزشیابی و سوابق تحصیلی دانش‌آموزان داشته باشد تا بتواند به اهداف مهم درس تربیت‌بدنی جامه عمل بپوشاند. در این راستا، پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخ برای سؤال‌های زیر است:

- چه عواملی بر استقرار ارزشیابی هماهنگ و متمرکز درس تربیت‌بدنی اثرگذار خواهند بود؟
- چه اقداماتی برای استقرار ارزشیابی هماهنگ و متمرکز درس تربیت‌بدنی باید انجام شوند؟
- استقرار ارزشیابی هماهنگ و متمرکز درس تربیت‌بدنی چه پیامدهایی را به همراه خواهد داشت؟

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر کیفی است که از رویکرد داده‌بنیاد^۱ (نظریه زمینه‌ای) استفاده شده است (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰). گردآوری داده‌ها به روش‌های متعددی مانند مصاحبه^۲ و بررسی اسناد^۳ انجام شد. صاحب‌نظران، مدیران و متخصصانی حوزه ارزشیابی و تربیت‌بدنی مدارس جامعه آماری پژوهش را تشکیل دادند. با توجه به استفاده از روش داده‌بنیاد و انجام مصاحبه برای گردآوری داده‌ها، نمونه‌گیری به صورت نظری^۴ و با استفاده از روش قضاوتی انجام شد که در آن معمولاً پژوهشگر می‌کوشد به صورت هدف‌دار بر مبنای اینکه چه نوع اطلاعات خاصی مورد نیاز است، نمونه‌ها را انتخاب کند (پرویزی و حاج باقری، ۱۳۸۹). اساس انتخاب نمونه این بود که افراد منتخب بتوانند به شکل‌گیری نظریه و تکرارپذیری یافته‌ها کمک کنند. تکرارپذیری در دو بعد مدنظر قرار گرفت: ۱- تکرارپذیری لغوی که در آن تولید نتایج مشابه با انتخاب موردهای مشابه هدف بود؛ ۲- تکرارپذیری نظری که در آن تولید نتایج متضاد از طریق انتخاب موردهایی در قطب‌های مخالف هدف بود (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰).

در این پژوهش، با ارائه بازخورد به مصاحبه‌شوندگان و قراردادن آن‌ها در مسیر پژوهش به طوری که بر نحوه پاسخ‌گویی آن‌ها تأثیر نگذارد، برای افزایش روایی درونی اقدام شد. افزون‌براین، پس از انجام هر مصاحبه، الگوی به دست آمده تا آن مرحله ارائه می‌شد و در صورتی که مصاحبه‌شونده نکاتی را نسبت به الگو داشت، درباره آن بحث می‌کرد. این کار پس از انجام مصاحبه انجام می‌شد تا مصاحبه خالی از هرگونه پیش‌فرض و جهت‌گیری انجام شود. از آنجایی که مؤلفه پایایی به گستره تکرارپذیری یافته‌های پژوهش اشاره دارد و در انجام مطالعات کیفی پژوهشگر به تفسیر موضوع مورد مطالعه می‌پردازد، نیازی به ایجاد و ارائه مفهوم سنتی پایایی نیست؛ بنابراین، در بحث پایایی پژوهش، باید نشان داد که چگونه داده‌ها گردآوری شده‌اند و کدگذاری، استخراج مفاهیم و انتخاب طبقات انجام شده‌اند. کار گردآوری داده‌ها تازمانی ادامه یافت که پژوهشگر اطمینان حاصل کند که ادامه کار چیز تازه‌ای به دانسته‌های او نمی‌افزاید. هم‌زمان با گردآوری داده‌ها، کار تحلیل آن‌ها طی سه مرحله کدگذاری

1. Grounded Theory
2. Strauss, & Corbin
3. Interview
4. Content Analysis

۵. نمونه‌گیری نظری بدین معنا است که بیش از آنکه نمونه‌گیری قبل از پژوهش مشخص شود، در جریان پژوهش و براساس تحلیل مرحله‌به‌مرحله داده‌ها شکل می‌گیرند (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰).

باز، محوری و انتخابی شروع شد. طی این سه مرحله کدگذاری، داده‌ها به صورت دقیق و خطبه‌خط خوانده شدند و به کوچک‌ترین جزء ممکن شکسته شدند. پس از استخراج کدها، آن‌ها طبقه‌بندی می‌شوند. مقایسه مداوم، تفاوت‌ها و تشابهات بین این کدها را آشکار می‌کند؛ طبقات جدا یا ادغام می‌شوند تا نظریه در روند این فرایند شکل گیرد. منابع و متون موجود نیز در روند تکمیل نظریه استفاده می‌شوند (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰). مراحل کدگذاری با به‌کارگیری نسخه ۵/۲ نرم‌افزار اطلس تی.آی انجام شدند. در پژوهش حاضر، پس از انجام ۲۱ مصاحبه در طی دوره شش‌ماهه، تحلیل داده‌ها حاکی از اضافه‌نشدن داده جدید به داده‌های قبلی بود؛ بنابراین، با انجام ۲۱ مصاحبه و رسیدن به حد اشباع نظری، انجام مصاحبه‌ها پایان یافت.

نتایج

همان‌طور که ذکر شد، در این پژوهش ۲۱ نفر از افراد صاحب‌نظر در حوزه تربیت‌بدنی مدارس مشارکت داشتند که از میان مدیران اجرایی و اعضای هیئت‌علمی انتخاب شدند.

جدول ۱- توزیع گروه‌های مشارکت‌کننده در پژوهش و کدهای مورد استفاده

تخصص	فراوانی	میانگین سابقه کار	کد مورد استفاده
مدیر و معلم	۱۳	۲۰	p2, p3, p4, p5, p10, p13, p14, p15, p16, p17, p18, p20, p21
عضو هیئت‌علمی	۸	۲۲	p1, p6, p7, p8, p9, p11, p12, p19
جمع کل	۲۱	-	--

* سه نفر از مشارکت‌کنندگان زن (p5, p6, p16) و بقیه مرد بودند. شش نفر از مشارکت‌کنندگان دارای مدرک تحصیلی کارشناسی‌ارشد و سایرین دارای مدرک تحصیلی دکتری بودند.

شایان ذکر است با کدگذاری باز تلاش بر این بوده است که نکات کلیدی و مورد تأکید مشارکت‌کنندگان از مصاحبه‌ها استخراج شوند. این نکات ۱۱۳ کد را تشکیل دادند که در مجموع، ۲۹۳ بار تکرار شده بودند.

1. Open Coding
2. Axial Coding
3. Atlas.Ti

جدول ۲- نتایج کدگذاری محوری و انتخابی

مفهوم	مقوله	
ضعف فرهنگ ورزش در جامعه کاهش تحرک افراد جامعه در زندگی مدرن ترغیب نکردن دانش آموزان به تحرک و فعالیت بدنی توسط والدین فقدان احساس نیاز جامعه به درس تربیت بدنی نبود توجه عملی به تأکید مبانی دینی بر سلامت جسم لزوم پیشگیری از بیماری های ناشی از بی تحرکی و کم تحرکی بازتاب نداشتن پرورش تمام ابعاد وجودی دانش آموزان در نظام ارزشیابی نبود سیاست گذاری صحیح در امر ارزشیابی دروس حاکمیت سیستم ارزشیابی نامتوازن در نظام آموزش و پرورش و نبود توجه به تمام ساحت های تعلیم و تربیت نظام آموزشی کنکوری	فرهنگ ورزش در جامعه سطح و میزان توجه به سلامت نظام ارزشیابی در آموزش و پرورش	۱ ۲ ۳ ۴ ۵
اهمیت دادن و توجه والدین به مسئله امتحان و ارزشیابی رسمی و سوابق تحصیلی دانش آموزان آگاهی نداشتن خانواده ها در مورد اهمیت درس تربیت بدنی مطالبات نادرست خانواده و دانش آموزان از معلم تربیت بدنی در سیستم نمره دهی نگرش نادرست اولیای مدرسه به درس تربیت بدنی نبود نظارت کافی مدیران مدارس بر درس تربیت بدنی آگاهی نداشتن مدیران از نحوه اجرای بهینه و ارزشیابی درس تربیت بدنی نبود سیاست گذاری درست در به کارگیری تمام ظرفیت های جامعه مخاطب در پیشبرد اهداف درس تربیت بدنی بی توجهی و کم کاری متولیان ورزش دانش آموزی نبود برنامه ریزی دقیق و شفاف برای ارزشیابی درس تربیت بدنی به کارگیری ابزارهای نامناسب و سلیقه ای برای ارزشیابی درس تربیت بدنی استفاده نکردن از ظرفیت های سند تحول و قوانین برنامه ملی برای بهبود جایگاه درس تربیت بدنی	آگاهی اولیای دانش آموزان آگاهی مدیران و اولیای مدرسه آگاهی مسئولان آموزش و پرورش استانداردسازی ارزشیابی درس تربیت بدنی	۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰

ادامه جدول ۲- نتایج کدگذاری محوری و انتخابی

مفهوم	مقوله	کدگذاری
نبود بستری مناسب برای بروز توانمندی‌های معلمان تربیت‌بدنی بی‌انگیزگی و کاهش تعهد معلمان تربیت‌بدنی تخریب جایگاه معلم تربیت‌بدنی نداشتن نمود بیرونی برای عملکرد معلم تربیت‌بدنی بی‌تفاوتی برخی از معلمان تربیت‌بدنی به نمره دانش‌آموزان	جایگاه و هویت معلم تربیت‌بدنی	تربیت‌بدنی
کمبود نیروی انسانی نبود شرایط الزام‌آور برای اجرای بهینه درس تربیت‌بدنی نبود تناسب بین محتوای آموزشی و ساعات درس تربیت‌بدنی اجرای نامتوازن درس تربیت‌بدنی در کشور دراختیارنداشتن نورم‌های ملی برای قضاوت کمبود امکانات و تجهیزات موردنیاز در مدارس نبود هماهنگی بین محتوای برنامه درسی و فضای آموزشی کمبود منابع مالی و اعتبارات موردنیاز تمایز درس تربیت‌بدنی یا سایر دروس در اجرا و ارزشیابی در مدارس نبود تناسب ارزشیابی هنجارمحور با اهداف و فلسفه درس تربیت‌بدنی شفاف‌نبودن نیازهای درس تربیت‌بدنی پیچیدگی سخت‌افزاری و نرم‌افزاری درس تربیت‌بدنی	نیروی انسانی فرصت یادگیری امکانات و تجهیزات فضای آموزشی منابع مالی ماهیت درس تربیت‌بدنی	عوامل مداخله‌گر
اطلاع‌رسانی و توجه جامعه مخاطب آموزش معلمان آموزش مدیران مدیریت تغییر نظارت ساخت ابزارهای ارزشیابی استاندارد تأمین مالی دریافت مجوزهای قانونی طراحی کتاب کار دانش‌آموز بازنگری دوره‌ای بر محتوای کتب تربیت‌بدنی بهبود زیرساخت‌های سخت‌افزاری مدارس بهره‌گیری از فناوری‌های نوین تهیه نورم محوریت درس تربیت‌بدنی در ساختار و تشکیلات اداری	اقدامات اساسی	

ادامه جدول ۲- نتایج کدگذاری محوری و انتخابی

مفهوم	مقوله
به کارگیری ظرفیت خانواده‌ها برای توسعه و بهبود ورزش دانش‌آموزی افزایش فعالیت بدنی و توسعه ورزش همگانی افزایش انگیزش دانش‌آموزان کارآفرینی و ایجاد اشتغال	
ایجاد بستری برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی برای ورزش دانش‌آموزی افزایش نشاط در جامعه	
بهبود سلامت عمومی دانش‌آموزان و کاهش چاقی و ناهنجاری‌های جسمانی ایجاد مطالبه برای درس تربیت‌بدنی از سوی دانش‌آموزان، والدین و مدرسه کاهش اقدامات سلیقه‌ای در ارزشیابی تثبیت جایگاه درس تربیت‌بدنی افزایش انگیزه معلمان هویت‌بخشی به برنامه درس تربیت‌بدنی ایجاد فرصتی برای شناسایی استعداد‌های ورزشی	پیامدها

کدگذاری محوری شامل حرکت به سوی یک سطح بالاتر از انتزاع است که با تعیین روابط و طبقه اصلی یا سازه‌ای حاصل می‌شود که سایر مفاهیم حول آن می‌گردند. کدگذاری محوری عبارت است از تأیید مفاهیم بر مبنای روابط پویای آن‌ها. این مفاهیم مبنای تشکیل نظریه هستند (گلدینگ، ۲۰۰۲). طی کدگذاری محوری، بین طبقات و طبقات فرعی ارتباط برقرار می‌شود. در این مرحله، داده‌ها از طریق برقراری ارتباط بین طبقات به شیوه‌ای جدید کنار هم قرار می‌گیرند. این موضوع با اکتشاف این مفاهیم حاصل می‌شود: اکتشاف شرایط (شرطها)، اکتشاف زمینه، راهبردهای عمل و تعامل و اکتشاف پیامدها.

در این پژوهش سعی شد با کشف این مفاهیم، درکی از پدیده آزمون هماهنگ و متمرکز درس تربیت‌بدنی حاصل شود و سؤال‌های پژوهش در ارتباط با چگونگی وضعیت موجود ارزشیابی درس تربیت‌بدنی، سازوکارهای دستیابی به وضعیت مطلوب ارزشیابی براساس اسناد بالادستی و پیامدهای

آن پاسخ داده شوند. به طور کلی، با تحلیل‌های انجام شده در این مرحله، دستیابی به موارد زیر در ارتباط با ارزشیابی درس تربیت‌بدنی امکان‌پذیر شد:

شرایطی که سبب بروز وضعیت ارزشیابی درس تربیت‌بدنی شده‌اند (شرایط علی)؛
زمینه‌ای که وضعیت موجود ارزشیابی درس تربیت‌بدنی در آن نهفته است (شرایط زمینه‌ای)؛
راهبردهایی که برای دستیابی به وضعیت مطلوب قابل‌انتظار هستند (راهبردهای عمل)؛
پیامدهایی که با به‌کارگیری این راهبردها موردانتظار هستند (پیامدها).

در مطالعه حاضر، مدل پارادایمی کدگذاری محوری بوهم^۱ (۲۰۰۴) استفاده شد. مطابق با رویکرد استراوس و کوربین (۱۹۹۰) در کدگذاری انتخابی، نتایج گام‌های قبلی به‌کار برده شد، مقوله اصلی انتخاب شد و به شکل نظام‌مندی به سایر مقوله‌ها ارتباط داده شد. اعتبار ارتباطات بررسی شد و مقوله‌هایی که به تصفیه و توسعه بیشتر نیاز داشتند، توسعه داده شدند. این کار براساس الگوی شناسایی شده بین مقوله‌های اصلی و فرعی در کدگذاری باز و محوری آغاز شد که شامل گام‌های زیر بود:

معین کردن خط داستان: خط داستان، مفهوم‌سازی داستانی است که مطالعه در رابطه با آن انجام می‌شود. برای آسانی در معین کردن خط داستان، داده‌ها بازنگری شدند که این کار با رفت‌وبرگشت بین مقوله‌های اصلی و فرعی و نیز با رفت‌وبرگشت بین کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد. ارتباط دادن مقوله‌های فرعی به مقوله‌های اصلی از طریق پارادایم: برای اینکه مقوله‌های اصلی و فرعی به اندازه کافی با خط داستان متناسب شوند، به داستان رجوع می‌شد تا مقوله‌ها دوباره نظم‌دهی شوند و به شکل بهتری مجموعه‌ها و اتفاقات، اجزای مدل پارادایمی را بسازند. در ادامه این مرحله، شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، راهبردها و پیامدهای مدل بیان شدند.

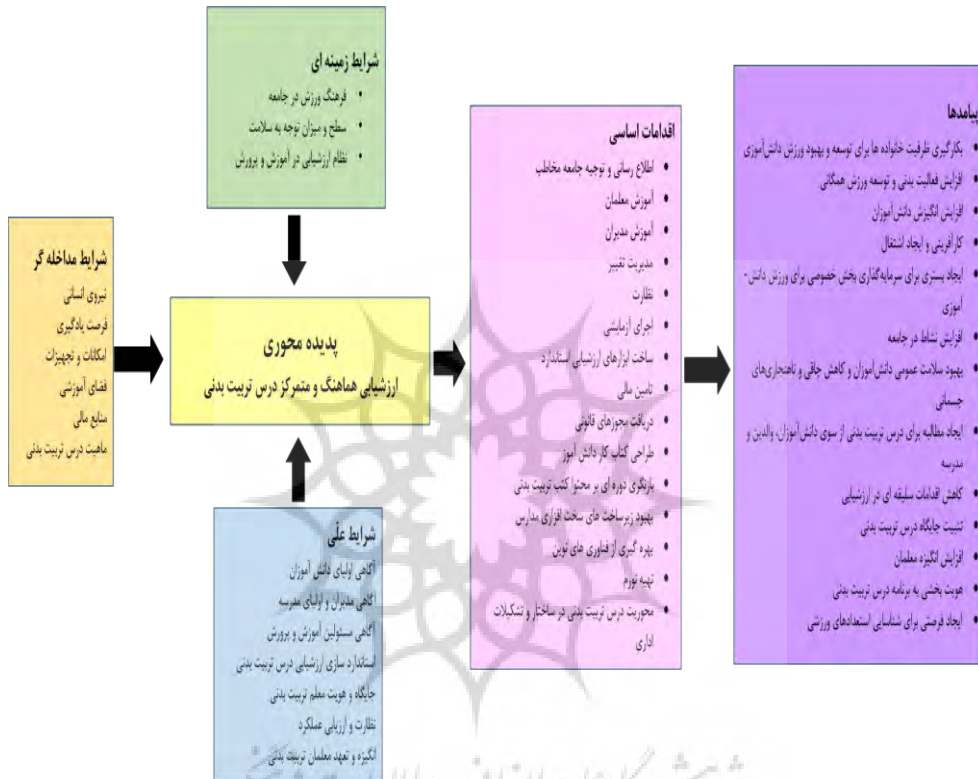
اعتباربخشی به روابط: برای اعتباربخشی به ارتباطات بین مقوله‌ها که در مدل پارادایم شکل گرفته بودند، داده‌ها، یادداشت‌ها، کدگذاری‌ها و یادداشت‌های زمینه‌ای به‌طور دقیق بررسی شدند تا پس از مقایسه طرح نهایی، اطمینان حاصل شود که این طرح نظری می‌تواند بیشتر مورد‌های مشاهده‌شده را تبیین کند.

پرکردن شکاف‌های بین مقوله‌ها: طبق نظر استراوس و کوربین (۱۹۹۰)، تاحدامکان به نظریه برخاسته از داده‌ها، خصوصیات مفهومی اضافه شد تا فشردگی و انسجام مفهومی نظریه حاصل شود.

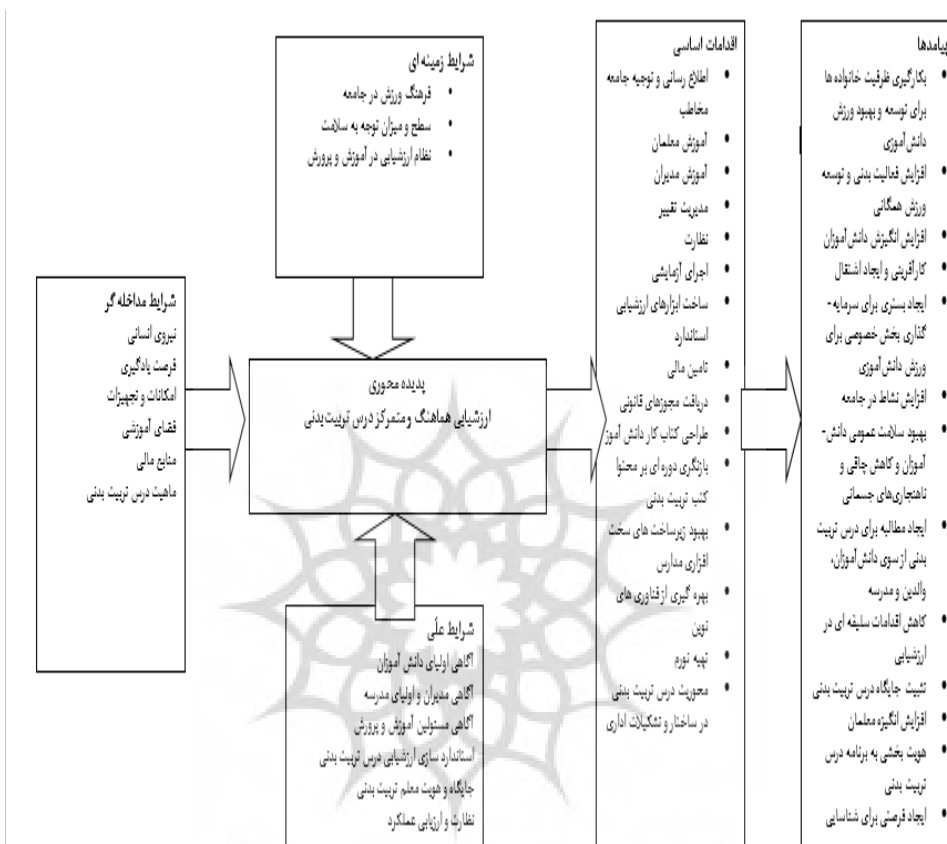
لازم است بیان شود که تمامی گام‌های ذکرشده در فرایندی رفت‌وبرگشتی و تعاملی و همراه با کدگذاری باز و محوری انجام شدند. در نهایت، مدل نهایی پژوهش استخراج شد که در شکل شماره

1. Bohm
2. Story Line

یک ارائه شده است. در این مدل، مفاهیمی انتزاعی تر قابل مشاهده هستند که در آن عوامل علی، زمینه‌ای، راهبردها و پیامدهای ارزشیابی هماهنگ و متمرکز درس تربیت بدنی مشخص شده‌اند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۱- چهارچوب استقرار ارزشیابی هماهنگ و متمرکز درس تربیت بدنی در مدارس

بحث و نتیجه گیری

از جمله اهداف نظام آموزش و پرورش کشور، تربیت نسلی شاداب و بانشاط است که در کنار فراگیری علوم مختلف، از سلامتی، تحرک و پویایی لازم برخوردار باشد (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰). تربیت بدنی از اولین، قدیمی ترین و تربیتی ترین مواد درسی تعلیم و تربیت است که از طریق آموزش فعالیت های حرکتی و ورزشی نقش عمده ای در تربیت کودکان و جوانان پیدا کرده است که در نبود آن تعادل و هماهنگی لازم بین جسم و روح از بین می رود. بیش از ۸۰ دهه از حضور تربیت بدنی در کشور می گذرد و درس تربیت بدنی از سال ۱۳۰۶ به صورت اجباری در مدارس برگزار می شود که طی این مدت با فرازونشیب های زیادی همراه بوده است و کاستی هایی را با خود به دنبال داشته است؛ اما

با عزم دولت و توجه مسئولان آموزش و پرورش در چند سال اخیر، این درس ضروری از کنج عزلت خارج شده و به آن توجه شده است و همچنان به توجه بیشتری نیاز دارد.

در حال حاضر، الزامات اجرایی درس تربیت بدنی در مدارس مانند فضا، تجهیزات ورزشی، معلم متخصص و محتوای آموزشی در وضعیت متوسطی قرار دارند (شفیع‌نیا، ۱۳۸۷)؛ اما یکی از مهم‌ترین ارکان برنامه درسی؛ یعنی ارزشیابی هنوز شکل واقعی به خود نگرفته است. براساس یافته‌های پژوهش حاضر، هنوز استانداردهای ملی برای ارزشیابی هماهنگ درس تربیت بدنی در مدارس تعریف نشده است و برنامه درسی نیز در این زمینه صراحت لازم را ندارد؛ در صورتی که براساس برنامه درسی ملی، تمامی دروس باید دارای استانداردهایی برای ارزشیابی نتیجه‌محور در گذر از دوره‌های تحصیلی (پایه‌های سوم، ششم، نهم و دوازدهم) باشند (برنامه درسی ملی، ۱۳۹۰). همچنین، یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که نبود ارزشیابی نتیجه‌محور در درس تربیت بدنی باعث شده است که معلمان تربیت بدنی از ابزارهای نامناسب و سلیقه‌ای برای ارزشیابی استفاده کنند که این یافته با پژوهش رضوی و همکاران (۱۳۹۲) همسو است. افزون‌براین، برخی از معلمان به دلیل مطالبات نادرست خانواده‌ها و مدیران مدارس، نسبت به ارزشیابی و نمره دانش‌آموزان بی‌تفاوت شده‌اند و ارزشیابی واقعی از عملکرد دانش‌آموزان انجام نمی‌دهند. هدف درس تربیت بدنی کسب نشاط، شادابی، سلامت و توسعه سبک زندگی سالم است و ارزشیابی مستمر، توجه به تفاوت‌های فردی و معلم‌محوری از جمله سیاست‌های ارزشیابی درس تربیت بدنی هستند؛ اما اسناد بالادستی بین درس تربیت بدنی با سایر دروس، در ارزشیابی پیشرفت تحصیلی در گذر از دوره‌ها تفاوتی قائل نیستند. به نظر می‌رسد که استفاده از ظرفیت‌های قانونی اسناد بالادستی مانند سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی در حوزه ارزشیابی درس تربیت بدنی باعث بهبود جایگاه درس تربیت بدنی خواهد شد. نظام ارزشیابی دروس، بخشی از هویت انکارناپذیر آن‌ها است که در اجرایی‌شدن مفاد درسی اهمیت بسیاری دارد. ضعف نظام ارزشیابی درس تربیت بدنی و به‌طور کلی، ارزشیابی نامتوازن در نظام آموزشی که فقط بر دروس شناختی متمرکز و تأکید دارند، باعث شده است که مدیران و اولیای مدرسه نیز از وظایف خود در خصوص درس تربیت بدنی شانه خالی کنند. این مسئله حتی به سطوح بالاتر مدیریتی در حوزه تربیت بدنی مدارس نیز نفوذ کرده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که نبود سیستم ارزشیابی متمرکز و هماهنگ باعث شده است که عملکرد معلم تربیت بدنی در مدارس در حوزه درس تربیت بدنی که جزو وظایف ذاتی و الزامی آن‌ها است، کمتر از فعالیت‌های فوق برنامه ورزشی نمود داشته باشد و این مسئله بی‌انگیزگی و کاهش تعهد معلمان تربیت بدنی را نسبت به اجرای برنامه درسی در پی داشته است و گاهی باعث

تضعیف و تخریب جایگاه معلم تربیت‌بدنی در مدارس شده است که نتایج مطالعات شفیع نیا (۱۳۸۷) و رضوی و همکاران (۱۳۹۲) نیز آن را تأیید می‌کنند.

یافته‌های پژوهش نشان داد که قراردادن درس تربیت‌بدنی در امتحانات هماهنگ و متمرکز، جهش و انقلاب بزرگی در فرهنگ ورزش و سبک زندگی جامعه ایجاد خواهد کرد. چنین راهبردی موجی از مطالبات را از نهادهای متولی ورزش در کشور به همراه خواهد داشت که نه تنها باعث تثبیت جایگاه درس تربیت‌بدنی در نظام تعلیم و تربیت خواهد شد، بلکه باعث افزایش نشاط و تحرک، توسعه ورزش همگانی و کاهش احتمال ابتلا به ناهنجاری‌ها و بیماری‌ها خواهد شد. علاوه بر این، به دنبال افزایش مطالبات، بسترهای مناسبی برای افزایش کارآفرینی و اشتغال در ورزش و فرصت‌های مناسبی برای جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ورزش دانش‌آموزی به وجود خواهد آمد. نسلی که با چنین رویکردی تربیت شود، در آینده بهره‌وری بیشتری در زندگی فردی و اجتماعی خواهد داشت و با برخورداری از قوای جسمانی در کنار پیشرفت‌های علمی، کشور را از گزند دشمنان مصون نگاه می‌دارد. علاوه بر آنچه ذکر شد، انجام اقداماتی در زمینه بهبود سلامت نسل جوان به عنوان محور توسعه در تمامی حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، بسیار مهم و راهبردی خواهد بود. کاهش تحرک و فعالیت بدنی که سبک زندگی مدرن آن را به انسان‌ها به ویژه نسل کودک و نوجوان تحمیل کرده است، موجی از بیماری‌های ناشی از فقر حرکتی را به همراه داشته است؛ درحالی که در مابانی ارزشی و اعتقادی دین اسلام، به سلامت جسمی و روحی و لزوم توجه به فعالیت بدنی تأکید شده است. علاوه بر این، ضعف فرهنگ ورزش در جامعه و توجه خانواده‌ها به یادگیری دروس شناختی و بازتاب گسترده آن‌ها در سرنوشت تحصیلی دانش‌آموزان در نظام آموزشی کنکوری، باعث شده است با وجود اذعان به ارزش و اهمیت درس تربیت‌بدنی در مدارس، مطالبه والدین دانش‌آموزان در این زمینه کمتر مشاهده شود و دانش‌آموزان توسط والدین خود به فعالیت بدنی و توجه به درس تربیت‌بدنی ترغیب نشوند. این درحالی است که والدین دانش‌آموزان می‌توانند در پیشبرد اهداف خطیر درس تربیت‌بدنی و فعالیت‌های مکمل مدارس نقش بسزایی داشته باشند. درگیرکردن والدین در برنامه‌های آموزشی و تربیتی دانش‌آموزان در مدارس، یکی از سیاست‌های اصلی نظام آموزشی کشورهای پیشرو است (یونسکو، ۲۰۱۳) و در اسناد بالادستی نظام آموزش و پرورش ایران نیز به خوبی پیش‌بینی شده است؛ اما تا رسیدن به نقطه ایده‌آل فاصله زیادی باقی مانده است.

علاوه بر موارد ذکر شده، باید توجه داشت که اجرای آزمون هماهنگ و متمرکز درس تربیت‌بدنی، مبتنی بر وجود بستر مناسب و در اختیار داشتن زیرساخت‌های کافی است؛ زیرا، ماهیت درس تربیت‌بدنی با سایر دروس تفاوت اساسی دارد و استلزامات ویژه‌ای را می‌طلبد. نتایج نشان داد که از جمله مهم‌ترین عواملی که تأثیر جدی بر برنامه ارزشیابی هماهنگ درس تربیت‌بدنی خواهند داشت،

کمبود نیروی انسانی به‌ویژه در مناطق کمتر توسعه‌یافته، کمبود امکانات و تجهیزات استاندارد ورزشی مانند سالن‌های سرپوشیده با استانداردهای لازم، کمبود اعتبارات موردنیاز برای اجرای سراسری در کل کشور و متوازن‌نبودن فرصت یادگیری و فضای آموزشی درس تربیت‌بدنی در کشور خواهند بود که باید قبل از تصویب نهایی و بازنگری بر ارزشیابی درس تربیت‌بدنی، به‌طور کامل بررسی موشکافانه شوند و برطرف شوند.

یافته‌های پژوهش نشان داد از جمله مهم‌ترین اقداماتی که باید مسئولان ورزش دانش‌آموزی در کشور در راستای اجرایی‌شدن ارزشیابی هماهنگ درس تربیت‌بدنی براساس اصول مندرج در اسناد بالادستی انجام دهند، تغییر نگرش در جامعه هدف؛ یعنی معلمان، مدیران، دانش‌آموزان، اولیای مدرسه، والدین و مدیران ارشد آموزش و پرورش استان‌ها است. به‌نظر می‌رسد که با برگزاری دوره‌های آموزشی-توجیهی گوناگون، انعکاس مناسب رسانه‌ای و آماده‌سازی فضای ذهنی جامعه مخاطب، با بررسی قوت و فرصت‌های ارزشیابی هماهنگ درس تربیت‌بدنی می‌توان زمینه انعکاس آثار عملی درس تربیت‌بدنی را در زندگی فردی و اجتماعی دانش‌آموزان فراهم کرد. علاوه‌براین، توانمندسازی معلمان، مدیران و مدیران ارشد و میانی آموزش و پرورش نیز می‌تواند گام بسیار مهم و مثبتی در راستای اجرایی‌شدن ارزشیابی هماهنگ تلقی شود. ساختارسازی و اصلاح ساختارهای کنونی و محوریت درس تربیت‌بدنی در تشکیلات ورزش دانش‌آموزی، نظارت مستمر، بازخورد و اصلاح برنامه درسی نیز می‌تواند تأثیر بسزایی در پیشبرد اهداف ارزشیابی درس تربیت‌بدنی مدارس داشته باشد. تدوین دستورالعمل‌های اجرایی بسیار شفاف و دقیق با آزمون‌های روا و پایا نیز از جمله الزامات دیگر برگزاری آزمون هماهنگ درس تربیت‌بدنی است که می‌توان با اجرای مطالعاتی و آزمایشی در دوره‌های تحصیلی گوناگون و استان‌های مختلف به آن دست یافت. مسلم است که به ضعف در زیرساخت‌ها و فرصت‌های یادگیری دانش‌آموزان در مناطق مختلف جغرافیایی باید توجه ویژه داشت و از سال‌های نخست از سهل‌ترین و اجرایی‌ترین ابزارهای ارزشیابی استفاده کرد. تقویت فعالیت‌های فوق‌برنامه ورزشی مدارس و بسترسازی برای بهره‌مندی حداکثری دانش‌آموزان نیز باید در اولویت قرار گیرد؛ زیرا، دو ساعت درس تربیت‌بدنی رسمی در مدارس، قطعاً جواب‌گوی نیاز دانش‌آموزان برای شرکت در آزمون گذر از دوره‌های تحصیلی نخواهد بود. از مسائل دیگری که صاحب‌نظران بر آن تأکید داشتند، تألیف کتاب کار دانش‌آموز است که بتواند در کنار ساعت درس رسمی و فعالیت‌های فوق‌برنامه ورزشی، زمینه آماده‌سازی حداکثری دانش‌آموزان را فراهم کند. استفاده از فناوری‌های نوین در ثبت سوابق ورزشی دانش‌آموزان و طراحی کارنامه‌های پیشرفت تحصیلی ماهانه، سالانه و دوره‌ای یا شناسنامه ورزشی و

نیز اعطای گواهینامه‌های پایان دوره در حوزه تربیت‌بدنی نیز می‌توانند تأثیر بسزایی در تصحیح و تثبیت اجرا و ارزشیابی درس تربیت‌بدنی در مدارس داشته باشند.

در پایان، ذکر این نکته ضروری است که در صورت فراهم‌نبودن زیرساخت‌های لازم، شتاب در فراگیر کردن ارزشیابی متمرکز درس تربیت‌بدنی و توجیه‌نبودن جامعه مخاطب، علاوه بر ایجاد انحرافات در اجرا، درس تربیت‌بدنی در مدارس و تشکیلات تربیت‌بدنی وزارت آموزش و پرورش را با تهدید بسیار جدی روبه‌رو خواهند کرد. البته برنامه‌ریزی مناسب و اجرای مرحله‌ای این طرح با محوریت مدارس در مناطق کمتر توسعه‌یافته و اجرای متمرکز در مناطق برخوردار و سپس، گسترش آن به تمام دوره‌های تحصیلی و کل مناطق کشور می‌تواند گام مثبتی در تثبیت ارزشیابی هماهنگ تلقی شود.

منابع

1. Bohm, A. (2004). Theoretical coding: Text analysis in grounded Theory. In U. Flick, E. Kardorff, & I. Steinke (Eds.), A companion to qualitative research (pp. 270-5). London: Sage.
2. European Commission/ EACEA/Eurydice. (2013). Physical education and sport at school in Europe Eurydice report. Luxembourg: Publications Office of the European Union.
3. EACEA/Eurydice. (2011). The structure of the European education systems 2011/12: schematic diagrams. Brussels: Eurydice.
4. EACEA/Eurydice. (2012a). Recommended annual taught time in full-time compulsory education in Europe, 2011/12. Brussels: Eurydice.
5. EACEA/Eurydice. (2012b). Key data on education in Europe 2012. Brussels: Eurydice. Available at: http://ec.europa.eu/sport/library/documents/c1/eu-physical-activity-guidelines-2008_en.pdf [Accessed 12 March 2013].
6. European Commission. (2007a). White paper on sport. Available at: <http://eur-lex.europa.eu/LexUriServ/LexUriServ.do?uri=COM:2007:0391:FIN:EN:PDF> [Accessed 12 March 2013].
7. European Commission. (2007b). Key competences for lifelong learning – European reference framework. Available at: http://ec.europa.eu/dgs/education_cultur/publ/pdf/ll-learning/keycomp_en.pdf [Accessed 12 March 2013].
8. European Commission. (2011). Communication from the commission to the European parliament, the council, the European economic and social committee and the committee of the regions, developing the European dimension in Sport. Available at: <http://eur-lex.europa.eu/LexUriServ/LexUriServ.do?uri=COM:2011:0012:FIN:EN:PDF> [Accessed 12 March 2013].

9. The theoretical foundations of fundamental change in the system of formal Basic education in Islamic Republic of Iran (2012), education ministry of Islamic Republic of Iran, 350-456 (Persian)
10. National curriculum. (2012). education ministry of Islamic Republic of Iran, 45-88 (Persian).
11. Goulding, C. (2002). Grounded theory: A practical guide for management, business and market researchers: London: Sage.
12. National Association of Physical Education. (2013). Loopholes stalling progress in physical education across the U.S. Reston, Virginia, NASPE.
13. Ontario Government. (2010). The Ontario curriculum (Revised). Grades 1-8. Health and Physical Education, January. Available at: <http://www.edu.gov.on.ca/eng/curriculum/elementary/healthcurr18.pdf> [Accessed 11 September 2014].
14. Parvizy, S., Majidi, M., & Adib Haj Bagheri, M. (2010) Qualitative research methods. Tehran: Publishing and Promoting Human. (Persian).
15. Shafinia, P. (2009). Survey of physical education evaluation in viewpoint of teachers and offering a model. Research in Sport Science, 20, 51-61.
16. Strauss, A., & Corbin, J. (1990) Basics of qualitative research. Newbury Park, CA: Sage.
17. Razavi, S., Rouhani, Z., & Ghanbari, A. (2014). Analysis of factors effectively promoting the status of physical education in schools. Journal of Sport Management and Behavior, 19, 69-80. (Persian).
18. United Nations, Educational, Scientific and Cultural Organization. (2013). World-wide survey of school physical education, UNESCO Open Access Repository, final report.

استناد به مقاله

تسلیمی، زهرا، بابوئی، حسین. (۱۳۹۷)، بهار و تابستان). استقرار ارزشیابی هماهنگ و متمرکز درس تربیت بدنی در مدارس: یک مطالعه کیفی. پژوهش در ورزش تربیتی، ۱۴(۶): ۴۵-۶۶. شناسه دیجیتال: 10.22089/res.2017.4239.1306

Taslimi, Z., Baboee, H. (2018). Coordinated and Focused Evaluation of Physical Education in Schools: A Qualitative Study. Research on Educational Sport, 6(14): 45-66. (Persian). Doi: 10.22089/res.2017.4239.1306

Coordinated and Focused Evaluation of Physical Education in Schools: A Qualitative Study

Z. Taslimi¹, H. Baboee²

1. Ph.D. of Sport Management, Farhangian University*
2. Ph.D. Student of Sport Management, Azad University

Received: 2017/06/03

Accepted: 2017/08/02

Abstract

Evaluation is a regular and consistent process to determine students' progress on the path to achievement education goals. The aim of this study was to evaluate the establishment of a coordinated and focused physical education lesson evaluation in schools. The method of research was qualitative, which is done with the Grounded theory approach. Several data collection methods such as interviews and document review was conducted. The study population were consisted of experts, managers and specialists in evaluation field in school's physical education. According to the method of Grounded-theory, theoretical sampling was done. Simultaneously by data collecting, data analyzing with three-stage of open, axial and selective coding by version 5.2 software Atlas.Ti were done. The results showed, coordinated and focused evaluation of physical education lessons has a positive impact on the implementation of physical education in schools and will also extensively reflected in society. But achieving all the positive consequences of this plan depends on providing its hardware and software infrastructure.

Keywords: Grounded Theory, Physical Education, Evaluation

* Corresponding Author

Email: zahrataslimi66@gmail.com